



Qur'anic Exegetes and the Methods of the Spiritual Education's Custodians; A Religious Studies Approach

Isa Isazadeh* | Yaser Abouzadeh Gatabi**

Received: 2021/6/22 | Correction: 2022/3/5 | Accepted: 2022/3/5

Abstract

Education is one of the most crucial goals and concerns of the religions, which has been heeded by divine books such as the Qur'an and Old Testament. Thus, it has been carefully pursued by the Qur'anic exegetes in both Shi'ite and Sunni schools. According to religious teachings, God and His prophets, as the main custodians of human training, have tried to religiously educate the people in various ways. The present article has endeavored to introduce these custodians through a descriptive-analytical method, considering the Qur'anic exegetes' viewpoints from the two Sunni and Shi'ite schools. In the following and by pointing out their educational methods, it has analyzed and evaluated these two groups' manners, taking a religious studies approach. As the results of the conducted studies, while examining the viewpoints of both schools' exegetes, as well as the texts of the Qur'an and Old Testament, it can be noted that God and His prophets have been introduced as the main custodians of religious education in both traditions. In addition, both traditions are common in conveying the methods of religious education. However, there are some notable differences. The Qur'an mentions the spiritual education's custodians as uswa (good example) ones, while the Old Testament, on the contrary, has even attributed some discreditable mistakes to them. Moreover, in the Qur'anic accounts, God and His prophets have taken care of the resurrection and the divine rewards and punishments more than in the Old Testament. It can be thus concluded that the methods of religious education in the Qur'an are richer and more comprehensive than those mentioned in the Old Testament.



Keywords: Qur'an, Old Testament, God, prophets, religious education, Qur'anic exegetes, religious education

* Assistant Professor, Department of Islamic Theology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qum, Iran | e.isazadeh@isca.ac.ir

** Ph.D. Candidate, Department of Religious Studies, Imam Khomani Education and Research Institute, Qum, Iran | y.a.g@cmail.ir

Isazadeh, I, . (2022) Qur'anic Exegetes and the Methods of the Spiritual Education's Custodians; A Religious Studies Approach. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 8 (15) 191-220 . Doi: 10.22091/PTT.2022.6402.1895.





روش‌های متولیان تربیت دینی از منظر مفسران فریقین با رویکرد ادیان

عیسی عیسی‌زاده* | یاسر ابوزاده کتابی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

چکیده

تعلیم و تربیت، از مهم‌ترین اهداف و دغدغه‌های ادیان الهی بوده که مفسران فریقین بدان توجه داشته‌اند و در کتاب‌های آسمانی چون: قرآن و عهد عتیق نیز به آن اشاره شده است. خداوند و پیامبران به‌عنوان متولیان اصلی در تربیت بشر، با روش‌هایی سعی در تربیت دینی مردم داشته‌اند. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌جستن از آراء مفسران فریقین، این متولیان را معرفی کرده و در ادامه با برشمردن روش‌های تربیتی آنان، به تحلیل و ارزیابی روش‌های این دو گروه با رویکرد ادیانی پرداخته است. با بررسی آراء مفسران فریقین و متن عهد عتیق می‌توان به این یافته‌ها اشاره کرد که گرچه تقریباً خداوند و انبیا، متولیان تربیت در ادیان آسمانی معرفی شده و در آراء روش‌های تربیت دینی مشترکند، از متولیان تربیت دینی در قرآن کریم با تعبیر اسوه دینی یاد می‌شود، درحالی که در عهد عتیق این‌گونه نیست و حتی اشتباهاتی از انبیا را مطرح ساخته‌اند. علاوه بر این، خداوند و انبیا در قرآن، به قیامت و پاداش و عذاب الهی بیش از عهد عتیق عنایت داشته‌اند و روش‌های تربیتی در قرآن، جامع‌تر و غنی‌تر از روش‌های یادشده در عهد عتیق است.



واژگان کلیدی: تربیت دینی، خداوند، انبیا، قرآن، مفسران فریقین، عهد عتیق.

* استادیار، کلام اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده مسئول) | e.eisazadeh@isca.ac.ir

** دانشجوی دکتری ادیان، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی | y.a.g@gmail.ir

□ عیسی‌زاده، ع؛ ابوزاده کتابی، ی. (۱۴۰۱). روش‌های متولیان تربیت دینی از منظر مفسران فریقین با رویکرد ادیان،

دوفصل‌نامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، ۸ (۱۵)، ۱۹۱-۲۲۰. Doi: 10.22091/PTT.2022.6402.1895



بیان مسأله

در طول تاریخ و در گذر زمان، پرداختن به مسأله تعلیم و تربیت انسان‌ها، از مهم‌ترین اهداف و دغدغه‌های ادیان الهی بوده است. شاهد این مدعا، تعلیمی است که در کتاب‌های مقدس ادیان مختلف درباره مسأله تربیت وجود دارد. البته مسأله تربیت خود به اقسام متعددی چون: تربیت عقلی، معنوی و عبادی، جسمی، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی تقسیم می‌شود که در این نوشتار، تلاش شده است تا به مقوله تربیت دینی از منظر مفسران فریقین با رویکرد ادیانی پرداخته شود. علت نخست این نکته را می‌توان در ماهیت ادیانی مانند اسلام، مسیحیت و یهودیت یافت؛ چراکه امروزه این ادیان، از جمله ادیان معتبر و پرطرفدار در عالم محسوب می‌شوند. لذا بدیهی است به این نکته پردازیم که این ادیان چه افرادی را به عنوان متولی امر تربیت دینی معرفی نموده و از چه روش‌هایی در امر تربیت استفاده کرده‌اند.

دلیل دیگر این امر در واقع همان ضرورت تربیت دینی است؛ زیرا از طرفی بر مبنای آیات الهی، شیطان به عنوان دشمن قسم‌خورده انسان، تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا او را از مسیر حق جدا ساخته، به گناه کشاند و در نهایت موجبات بدعاقبتی وی را فراهم آورد (سوره حجر، آیه ۳۹-۴۱) و از سوی دیگر و بر مبنای آیات و روایات، مانند روایت نبوی «اعدی عدوک نفسک» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۱۱۸)، نفس انسان به عنوان مهم‌ترین دشمن انسان، ممکن است موجبات گمراهی او را به همراه آورد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۴، ح ۱۸۴۸)؛ در نتیجه هم برای کنترل نفس و هم برای در امان ماندن از وسوسه‌های شیطانی، نیاز است تا بشر دسته‌ای از مسائلی را که به صلاح اوست آموزش ببیند. با بررسی‌های انجام شده، مقاله و یا کتابی پژوهشی در مورد روش‌های متولیان تربیت دینی از منظر مفسران فریقین با رویکرد ادیانی در کتابخانه‌ها، تارنماها، پایان‌نامه‌ها و... یافت نشده است.

روش‌شناسی

از آن جا که تحقیق پیش رو، به بررسی روش‌های متولیان تربیت دینی از منظر مفسران فریقین با رویکرد ادیانی می‌پردازد، در زمره تحقیق‌های کیفی جا می‌گیرد و از آن نظر که روش‌های متولیان تربیت دینی از منظر مفسران فریقین با رویکرد ادیانی را توصیف می‌کند،

در زمره تحقیق‌های توصیفی قرار می‌گیرد. این پژوهش، درصدد پاسخ دادن به سؤال پژوهشی است و چون روش کیفی، مناسب‌ترین ابزار را برای پاسخ‌دهی به سؤالات به دست می‌دهد، از روش کیفی استفاده می‌شود. روش تحلیل محتوا، یکی از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات است که در دهه اخیر بسیار از آن استفاده شده است. محقق در این روش، می‌کوشد تا از طریق مطالعه اسناد مکتوب و منابع موجود، به داده‌هایی برای پاسخ‌گویی به سؤال خویش دست یابد.

مفهوم‌شناسی تربیت

واژه تربیت در ادبیات اسلامی، از ماده "ربو" گرفته شده که عمدتاً به معنای پروراندن و گرداندن پی‌درپی چیزی تا حد نهایت آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۴۰). در اصطلاح نیز به معنای فراهم آوردن زمینه لازم برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به فعلیت رساندن امکانات بالقوه در جهت کمال اوست (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۷۵؛ مطهری، ۱۳۷۳، ص ۳۳؛ کیومرثی، ۱۳۸۶، ص ۸). حال سؤال این است که آیا عقل انسان و علم بشری می‌تواند در این امور یاری‌رسان باشد؟

در پاسخ به این مسأله باید گفت: درست است که عقل توانایی دارد به برخی از نیازهای انسان پاسخ گوید، ولی دسته‌ای از امور وجود دارد که عقل را یاری رسیدن به آن نیست. به تعبیر آیت‌الله مصباح، آن‌چه ما راهی برای شناخت آن نداریم، مصالح اخروی است؛ یعنی راهی نداریم که ببینیم اگر در دنیا کار را انجام دهیم، چه سعادت و یا شقاوتی به بار می‌آورد (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۵۴)؛ از این‌رو، نیاز است تا انسان برای پاسخ‌گویی به این مسائل و در واقع تکامل همه‌جانبه، به سراغ دین رود و در سایه نصرت‌های الهی، تربیت یابد.

یکی از روش‌های اصلی تربیت دینی در ادیان الهی، تأسی به الگوهای شایسته‌ای است که کتاب‌های مقدس از آن‌ها یاد کرده‌اند؛ زیرا افراد با تأسی به این متولیان و الگوها، موجبات تعالی اخلاقی، اجتماعی، دینی و عقلانی خویش را فراهم می‌سازند. در عهد عتیق خدا، انبیا، خانواده، روحانیان و حاکمان، به‌عنوان متولیان اصلی تربیت دینی به شمار می‌روند (نک. امثال سلیمان ۲۲: ۶؛ تثنیه ۶: ۵-۷؛ جامعه ۱۲: ۹-۱۲؛ مزامیر ۵۱: ۱۰-۱۳؛ اول پادشاهان ۲: ۲-۴؛ ملاکی ۲: ۷؛ اعداد ۱۸: ۱۵) و در قرآن کریم خداوند، انبیا، ائمه، علما، حاکمان و خانواده،

عمده‌ترین متولیان برای تربیت دینی هستند (نک. رستمی‌زاده، ۱۳۶۹، ش ۹۶، ص ۱۲-۱۵). از میان تمام این متولیان نیز خداوند و انبیا در رتبه‌های نخست قرار دارند؛ از این رو این نوشتار، در صدد است تا با بررسی آیات مقدس، روش‌هایی را که این الگوها برای تربیت دینی در پیش گرفته‌اند، شناسایی و ارزیابی کند. این نوشتار برای بررسی این متولیان و روش‌های تربیتی آنان، تمام تلاش خود را نموده تا حد امکان، به آیاتی استناد دهد که ارتباط مستقیم با مسأله تربیت دینی داشته باشند. از این رو، به بسیاری از آیات قرآنی که در آن‌ها تعابیری چون "قل" و خطاب به انبیا آمده، توجه نگردید تا صداقت علمی مراعات گردد.

گرچه مقالات و آثار چندی درباره بررسی تطبیقی تربیت دینی از منظر مفسران وجود دارد، گمان نویسنندگان مقاله بر این است که نوشته حاضر با توجه به فاکتور ذکر شده با رویکرد ادیانی در قیاس با سایر نوشته‌هایی که در موضوع تربیت دینی گردآوری شده‌اند، رویکردی نو داشته و تاکنون چنین پژوهشی صورت نگرفته است.

الف) متولیان تربیت دینی در قرآن کریم و عهد عتیق

۱. خدا در قرآن

در قرآن کریم، نخستین متولی در تربیت دینی همه انسان‌ها، همان خدای یگانه‌ای است که خالق همه موجودات است و ویژگی‌های متعددی هم چون: بخشنده و مهربان بودن، قهار بودن، منتقم بودن، سمیع و بصیر بودن و... دارد. با توجه به این که از نگاه مسلمانان، تمام قرآن کریم را خداوند نازل فرموده، کلام و بیان الهی محسوب می‌شود. از آن جا که خداوند دغدغه سعادت انسان‌ها را دارد، در کتابش با روش‌های متعددی به تربیت دینی انسان‌ها پرداخته است. بر همین اساس، خداوند مقام ربوبیتش را در حدود هزار آیه، با کلمه مقدس «رب» به بندگانش گوشزد فرموده که مربی بودن خداوند، یکی از اقتضائات این مقام است؛ لذا خداوند با روش‌های ذیل به تربیت انسان می‌پردازد:

۱-۱- روش موعظه و سفارش

استفاده از موعظه و سفارش، یکی از روش‌های مؤثر در تربیت دینی انسان‌هاست. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و درمانی برای آن‌چه در سینه‌هاست». (سوره یونس، آیه ۵۷)

از این رو خداوند با بیانات مختلفی به موعظه و سفارش می‌پردازد. بنا بر نظر زمخشری مفسر اهل سنت، مراد از موعظه در آیه، قرآن است که مشتمل بر مواعظ و توصیه‌های توحیدی است (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۲ ص ۳۵۳). مراد از موعظه، بیان آن چیزهایی است که حذر کردن از آنها لازم و یا رغبت در آنها واجب است و برخی گفته‌اند: موعظه عبارت است از آنچه انسان را به صلاح و درستی دعوت کند و از فساد و بدبختی بازدارد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵ ص ۱۷۷)

خداوند در دسته‌ای دیگر از آیات، به استفاده از موعظه نیکو برای دعوت به خداوند توصیه می‌فرماید (سوره نحل، آیه ۱۲۵؛ سوره یونس، آیه ۵۷). هم‌چنین خداوند، قرآن را به مثابه موعظه‌ای برای پرهیزکاران معرفی کرده (سوره آل عمران، آیه ۱۳۸) و اخبار پیشینیان (سوره نور، آیه ۳۸) و فرستادن انبیا و کتب آنها را به مثابه موعظه‌ای برای اهل تقوا می‌داند (سوره مائده، آیه ۴۶). ابن عاشور ذیل آیه ۱۲۵ سوره نحل درباره معنای موعظه گفته است: «موعظه کلامی است که نفس شنونده را بر انجام دادن کار خیر نرم می‌کند». (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ق، ج ۱۳ ص ۲۶۳)

۱-۲- انداز و تبشیر

خداوند تبارک و تعالی در آیاتی از قرآن کریم، در مقام تربیت انسان‌ها، به تبشیر و انداز آنها می‌پردازند. واژه لنداز در لغت به معنای ترساندن و بیم دادن است و حقیقت آن این است که کسی را هشدار می‌دهند که مایه ترس او شود؛ چنان‌که تبشیر، خبری است که سبب شادی مخاطب گردد (راغب، ۱۴۲۱، ق، ص ۴۸۷). در منابع تفسیری، به "خَوْف" یا "رَوْع" به معنای "ترسان" تفسیر شده است. (تستری، ۱۴۲۳، ق، ص ۱۱۵)

۱-۲-۱- تبشیر

بشارت دادن به انسان‌ها، از راه کارهای خداوند در قرآن برای تربیت بشر است؛ برای مثال، خداوند در وحی به حضرت موسی (ع) و برادرش هارون (ع) به آنها بشارت می‌دهد که در صورت تبعیت از خداوند، پیروزی نهایی بر کفار از آنها خواهد بود (سوره یونس، آیه ۸۷). هم‌چنین خداوند به آنانی که اهل تقوا باشند، بشارت به بهشت می‌دهد (سوره زمر، آیه ۲۰) و به آنانی که از عذاب الهی بیمناک باشند، وعده موفقیت در امور زندگی می‌دهد

(سوره ابراهیم، آیه ۱۴). دعوت به قرائت قرآن کریم و عمل به آن، به‌عنوان کتابی مبشر و منذر، یکی دیگر از بشارت‌های خداوند محسوب می‌گردد (سوره فصلت، آیه ۴). یکی از نکات مورد توجه درباره به کارگیری روش تبشیر و انذار در قرآن، تقدم و تأخر این دو روش در قرآن است. در بیش تر موارد، تبشیر از انذار پیشی گرفته است. به نظر فخر رازی، دلیل این تقدم آن است که بشارت، مجرای حفظ سلامت و انذار، جاری مجرای ازاله مرض و از بین بردن بیماری است؛ پس بی‌شک هدف و مقصود اصلی، حفظ سلامت است نه از بین بردن بیماری؛ بنابراین لازم است در بیان، بشارت مقدم گردد. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۲۰)

۱-۲-۲-۱- انذار

مراد از انذار- همان‌گونه که در کتاب *اقترب الموارد* آمده-#به معنای آنگاه نمودن به امری، از آن پرهیز دادن و خود را برای آن آماده ساختن آمده است (شرتوتی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۳۷۸). خداوند تبارک و تعالی در آیاتی، علاوه بر این که به انبیا دستور می‌دهد مردم را انذار نمایند (سوره نوح، آیه ۱-۳؛ سوره طه، آیه ۱۶)، خود نیز به انسان‌ها هشدار می‌دهد که شیطان دشمن آنهاست (سوره طه، آیه ۱۱۷)؛ در نتیجه پیروی از شیطان و دوری از خدا به همراه تبعیت از غیر مؤمنان، سختی در زندگی را به همراه خواهد داشت (سوره طه، آیه ۱۲۴) و مرگی عذاب‌آور را به دنبال دارد (سوره غاشیه، آیه ۲۱-۲۳) و غفلت از آخرت (سوره روم، آیه ۷) و تکذیب آیات الهی (سوره اعراف، آیه ۱۴۶)، هلاکت و نابودی (سوره اعراف، آیه ۱۷۹) و عذاب در قیامت (سوره زمر، آیه ۱۶) را به دنبال خواهد داشت.

از طرف دیگر، خداوند با معرفی بنی اسرائیل به‌عنوان نمونه‌ای از مردم، به آنها هشدار می‌دهد که از زیاده‌روی در دین، غلو نمودن در آموزه‌های دینی و پیروی از گمراهان دوری کنید (سوره مائده، آیه ۷۷) و در جایی دیگر به مسیحیان نیز هشدار داده است (سوره مائده، آیه ۴۷). فخر رازی درباره دلیل تقدم انذار بر تبشیر در بعضی موارد می‌گوید:

«از آن جا که پاک‌سازی چیزی بیش از آراستن آن است، ناشایست بر کارهای شایسته تقدم دارد. در این آیات انذار بر تبشیر پیشی گرفته است». (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص

۱-۳- داستان

بیان داستان و اشاره به سرگذشت پیشینیان، یکی دیگر از روش‌هایی است که خداوند در قرآن کریم به منظور تربیت دینی بشر از آن استفاده نموده است. البته خداوند با بیان این که این داستان‌ها حق هستند و حقیقت تاریخی دارند (سوره‌های آل عمران، آیه ۶۲؛ اعراف، آیه ۳۵؛ یوسف، آیه ۱۱۱ و کهف، آیه ۱۳)، به دنبال این است تا بشر با عبرت گرفتن از آنان (سوره‌های طه، آیه ۱۲۸؛ یس، آیه ۳۱ و بقره، آیه ۶۶)، بسیاری از نکات اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی را در قالب داستان بیاموزد و به طمأنینه و آرامش قلبی دست یابد و هم چنین حق برای او آشکار شود (سوره‌های هود، آیه ۱۲۰ و اعراف، آیه ۱۷۶)؛ برای نمونه، می‌توان به داستان هابیل و قابیل (سوره مائده، آیه ۲۷-۲۹)، داستان قوم بنی اسرائیل (سوره بقره، آیه ۲۴۷-۲۴۶) و داستان حضرت ابراهیم (سوره مریم، آیات ۴۱-۴۸) اشاره نمود. هم چنین چندین سوره، به نام‌های انبیا و افراد صالحی هم چون: اصحاب کهف، حضرت مریم (س) و لقمان حکیم نام‌گذاری شده و به سرگذشت آنان اشاره گردیده است.

۱-۴- استفاده از تمثیل

خداوند در قرآن کریم، نکات مهمی را باهدف تربیت دینی در قالب تمثیل بیان فرموده است؛ برای مثال درباره قرآن و نقش مهم آن در تربیت انسان بیان می‌کند که اگر قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، آن کوه در برابر آن خاشع می‌شد و از خوف خدا می‌شکافت (سوره حشر، آیه ۲۱). در جایی دیگر، کسانی را که تسلیم خدا باشند، همانند فردی دانسته که به دستگیره محکمی چنگ زده است (سوره لقمان، آیه ۲۲). نیز خطاب به کسانی که حق کتاب مقدسشان را ادا نکرده، در نتیجه چیزی از آن را نمی‌فهمند، مثل درازگوشی دانسته که صرفاً یک سری کتاب را با خود حمل می‌کنند. (سوره جمعه، آیه ۵)

۱-۵- معرفی اسوه

خداوند در قرآن کریم، از سوئی با برشمردن نام برخی از انبیا مانند ابراهیم (ع) (سوره‌های احزاب، آیه ۲۱؛ نحل، آیه ۱۲۰ و ممتحنه، آیه ۴)، اسحاق (ع) (سوره بقره، آیه ۱۳۶)، لوط (ع) (سوره انعام، آیه ۸۶)، یعقوب (ع) (سوره بقره، آیه ۱۳۲)، اسماعیل (ع) (سوره کهف، آیه ۱۳)، داوود (ع) (سوره ص، آیه ۱۷) و حضرت محمد (ص) (سوره‌های

صافات، آیه ۱۰۱-۱۰۲ و احزاب، آیه ۲۱)، از آن‌ها با عنوان اسوه تقوا و دین‌داری نام می‌برد. از سوی دیگر با ستایش از اصحاب کهف، آنان را الگوهایی یاد می‌کند که با هجرت از محیط فاسد، خود را از عوامل محیطی ناسالم دور ساختند و ایمان خویش را حفظ کردند (سوره کهف، آیات ۹-۲۶). در آیاتی نیز خداوند از انتخاب افراد گمراه به‌عنوان دوست و الگو که در نهایت موجب بدبختی انسان خواهد شد، هشدار می‌دهد. (سوره‌های فرقان، آیه ۲۸-۲۷ و هود، آیات ۴۲-۴۶)

۱-۶- تشویق

تشویق به تفکر در پدیده‌ها و موجودات دنیایی، یکی از شیوه‌هایی است که انسان را در شناخت بیش‌تر خالق خود نزدیک می‌سازد؛ شیوه‌ای که خداوند در قرآن کریم بسیار از آن استفاده نموده است (سوره‌های آل عمران، آیه ۱۹۱؛ رعد، آیه ۳؛ نحل، آیات ۱۰-۱۱ و ۶۸-۶۹؛ غاشیه، آیات ۱۷-۲۰؛ نبأ، آیات ۶-۱۶؛ فاطر، آیه ۳ و لقمان، آیه ۲۰). تذکر دادن به امور معنوی (سوره‌های ذاریات، آیه ۵۵ و آل عمران، آیه ۱۵)، نیز از جمله مشوق‌های مورد استفاده در قرآن کریم است.

۱-۷- امر به معروف و نهی از منکر

امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، از دیگر اموری است که خداوند در قرآن کریم از آن بهره گرفته تا به تربیت دینی بشر بپردازد. از این‌رو آیاتی از قرآن به پرستش خدا (سوره اسراء، آیه ۲۳) و توجه به امور عبادی چون: نماز و زکات (سوره‌های طه، آیه ۱۳۲ و یونس، آیه ۸۷)، امر کرده و در آیاتی از انجام دادن امور ناپسند (سوره نور، آیه ۱۷)، به علت در پی داشتن عذاب‌های دردناک (سوره‌های نوح، آیه ۱ و تحریم، آیه ۶)، نهی شده است.

۱-۸- یادآوری نعمت‌ها

یادآوری نعمت‌ها، یکی از روش‌های تربیتی خداوند است؛ مانند یادآوری نعمت‌هایی که به بنی اسرائیل داده شد (سوره بقره، آیات ۴۰، ۴۷ و ۱۲۲)، نعمت‌هایی که به مسلمانان داده شد (سوره‌های بقره، آیه ۲۳۱؛ آل عمران، آیه ۱۰۳؛ مائده، آیه ۱۱؛ اعراف، آیه ۸۶؛ انفال، آیه ۲۶ و احزاب، آیه ۹)، نعمت‌هایی که به حضرت عیسی داده شد (سوره مائده، آیه ۱۱۰) و نعمت‌هایی که در کل به انسان داده شده است. (سوره فاطر، آیه ۳)

۹-۱- یادآوری قیامت

یادآوری قیامت و حساب‌رسی اعمال، یکی دیگر از روش‌های خداوند در قرآن برای تربیت انسان است. (سوره‌های حج، آیه ۱-۲؛ ص، آیات ۲۶ و ۴۶؛ زلزله: ۱-۸ و قیامت، آیات ۱۳-۱)

۲. خدا در عهد عتیق

از نگاه بنی‌اسرائیل، اولین و مهم‌ترین معلم آن‌ها خود خداست (نک. ایوب ۳۶: ۲۲ و Amoah, 2012, p.34). خداوند در سراسر عهد عتیق، اعمال شگفت‌انگیزی برای بنی‌اسرائیل انجام می‌دهد. او خودش را به‌عنوان معلمی برای جامعه مؤمنان معرفی کرده و تعالیمی مهمی را در طول تاریخ و به‌واسطه شریعت به آن‌ها عرضه نموده است. (نک. خروج ۲۰: ۱-۱۷؛ Matshiga, 2001, p.120) به نظر می‌رسد اعطای تورات، مهم‌ترین اقدام خداوند برای آموزش بنی‌اسرائیل بوده است. کتابی که انبیا، معلمان، حکما و حتی برخی از حاکمان عهد عتیق از آن استفاده می‌کردند. بر مبنای عهد عتیق، در ابتدا خداوند مدرسه‌ای را در باغ عدن بنا نمود (نک. پیدایش ۲: ۸). این مدرسه و تعلیمات موجود در آن، الگویی برای آموزش امور متعددی هم چون مسائل دینی، برای همه اعصاب بوده است (White, 1903, p.20). در واقع خداوند در این مدرسه، دنبال این بود تا بشر با یادگیری مسائلی که به خیر و صلاح اوست و بازشناخت آن‌ها از شرور، برای زندگی همیشگی در کره خاکی آماده شود (White, 1905, p. 311). پس از رانده شدن انسان از باغ عدن و استقرار او در زمین، خداوند او را رها نکرد و برای تربیت او از روش‌های متعددی استفاده نمود؛ از جمله

۲-۱- استفاده از تمثیل

استفاده از ابزار تمثیل، یکی از روش‌های خداوند برای تربیت دینی مؤمنان است. از طرفی خداوند همانند پدری دلسوز که در اندیشه تأدیب فرزندش است، نگران تربیت قومش است. (نک. تثیبه ۸: ۵، هوشع ۱۱: ۱-۴). از طرف دیگر، با تأکید بر قداست خود، از مؤمنان می‌خواهد تا همانند او مقدس باشند و به نجاسات تن در ندهند. (نک. لاویان ۱۱: ۴۴)

۲-۲- توسل به اوامر و نواهی

خداوند در این روش، با خطاب قرار دادن انبیا، علما، حاکمان و حتی خود مردم، از آن‌ها می‌خواهد تا در تربیت دینی کوشا باشند؛ از این رو، خطاب به انبیا به آن‌ها امر می‌کند تا دستورهای او را به مردم برسانند (تثنیه ۴: ۱۰)؛ شریعت و مقدسات را به مردم تعلیم دهند و از تعدی و تجاوز به مقدسات نهی کنند (خروج ۱۸: ۲۰؛ ۱۳: ۱۰)؛ به جهت کمکی که خدا به مردم نمود و آنان را از دست مصریان نجات داد، از او فرمان برداری کنند (خروج ۱۹: ۳-۶)؛ از دستورهای خدا اطاعت کنند و خود را برای انجام دادن وظایف شرعی متعددی که بر عهده آن‌ها نهاده شده است، تقدیس کنند (خروج ۱۰: ۲۲؛ ۲۹: ۱-۴۴)؛ همواره سعی کنند با خدا باشند تا خداوند خواسته‌های آنان را اجابت کند. (ارمیا ۳۳: ۳)

در امر به علما نیز از آن‌ها می‌خواهد تا با عدم تعدی به مقدسات (اعداد ۳: ۳)، در انجام دادن وظیفه مقدس کوشا باشند (اعداد ۱۸: ۲) و کوتاهی نکنند (اعداد ۳: ۵) و در صورت تعدی به مقدسات، پاسخ گوی اعمال ناشایست خود باشند. (اعداد ۱۸: ۱)

هم‌چنین در امر به حکما، از آنان خواسته است تا در بازسازی خانه خدا مشارکت کنند. (عزرا ۱: ۲)

۲-۳- تشویق و توبیخ

استفاده از عنصر تشویق و تنبیه، از دیگر روش‌های خداوند در عهد عتیق برای تربیت مردم است. از این رو در راستای تنبیه، خطاب به عالمان و انبیایی که به خدا بی‌اعتنایی کنند، بیان می‌کند که خداوند دشمن آن‌ها و ذریه آن‌ها خواهد بود (ارمیا ۲: ۸-۹). نسبت به انبیای دروغ‌گو هشدار می‌دهد (ارمیا ۲۳: ۱۶، ۲۸). از مردم می‌خواهد خدا را فراموش نکنند و به شرک و کفر گرایش نیابند؛ زیرا فراموشی خدا موجبات خشم خدا و توبیخ و تنبیه آن‌ها را در پی خواهد داشت (ارمیا ۲: ۱۹؛ داوران ۲: ۱۰-۱۵)؛ به حلال و حرام الهی توجه کنند؛ چراکه حرام‌خواری عذاب الهی را در پی خواهد داشت. (ارمیا ۲: ۲-۳)

در راستای تشویق نیز خطاب به انبیا بیان می‌کند که هر کس با خدا باشد، خدا خود متولی تعلیم او و نسلش خواهد بود که به سلامتی عظیم خواهد انجامید (اشعیا ۵۴: ۱۳). نیز

چگونگی تقدیس کهنه (خروج ۲۹: ۱-۴۴) و آموزش شریعت به مردم را به آن‌ها تعلیم می‌دهد (حزقیال ۴۴: ۲۱-۲۲) و در واقع خود متولی آموزش آن‌ها می‌شود. با توجه به روش‌های تربیتی خداوند در قرآن و عهد عتیق، مشخص گردید که خداوند در عهد عتیق، سه روش (تمثیل، امرونی و تشویق و توبیخ) را برای تربیت انسان به کار گرفته است اما در قرآن، علاوه بر این سه روش، از شش روش دیگر نیز برای تربیت بشر استفاده نموده و این تفاوت، نشان‌دهنده آن است قرآن می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌تری را در تربیت انسان ایفا نماید.

(ب) نقش انبیا در قرآن و عهد عتیق

۱. انبیا در قرآن

پیامبران از متولیان هستند که خداوند در قرآن، تربیت بشر را بر عهده آن قرار داده است (سوره جمعه، آیه ۲). از نگاه قرآن کریم، انبیا انسان‌هایی معمولی با همان نیازهای طبیعی هستند (سوره‌های هود، آیه ۳۱ و اعراف، آیه ۶۹) که همانند دیگران، مورد ابتلا و آزمایش الهی قرار داشتند (سوره فرقان، آیه ۲۰). آیات مختلفی به معرفی انبیا، شاخصه‌ها، روش‌های تربیتی و سبک زندگی آن‌ها اشاره کرده‌اند. انبیا در قرآن کریم، از جمله افرادی بودند که تمام زندگی‌شان در مسیر کسب رضایت الهی بود (سوره آل عمران، آیه ۱۶۲)، حجت خدا، مبشر و منذر بودند (سوره نساء، آیه ۱۶۵) و الگوهای شایسته‌ای برای تربیت دینی به شمار می‌رفتند. (سوره احزاب، آیه ۲۱)

با این بیان، در قرآن کریم، عمده روش‌هایی که انبیا برای تربیت دینی افراد استفاده می‌کردند، به شرح ذیل است:

۱-۱- موعظه

موعظه از دیدگاه طبرسی، به معنای بازداشتن از فعل ناروا از طریق ترغیب در ترک و بی‌رغبتی در انجام دادن آن است که سبب نرمی و خشوع دل می‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۶ ص ۳۹۲). بیضاوی و فیض کاشانی، موعظه را خطابات قانع‌کننده و عبرت‌های سودمند دانسته‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۲ ص ۴۳۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۷، ج ۴ ص ۳۶۶). به نظر زمخسری، موعظه حسنه آن است که خیرخواهی موعظه‌کننده بر موعظه‌شوندگان پوشیده

نباشد و باور کنند که خیر و نفع آنان را می‌خواهد (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۲ ص ۶۴۴). علامه طباطبایی، نخست سخن خلیل (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ص ۵۲۷) را در تعریف موعظه به یادآوری خیر به گونه‌ای که موجب رقت و نرمی قلب می‌شود، نقل کرده و سپس موعظه را به بیانی اطلاق نموده که به خاطر اشتمالش بر عبرت‌ها و پی آمدهای پسندیده و آثار نیکو، صلاح حال شنونده را در پی دارد و در نتیجه، سبب نرمی و رقت نفس و قلب می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۷۲). فخر رازی، موعظه حسنه را امارات (نشانه‌های) ظنی و دلایل اقناعی، دانسته است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ق، ج ۲۰ ص ۲۸۷)

عده‌ای از مفسران، در مورد به‌کارگیری این روش تربیتی گفته‌اند: از مفاد آیه برمی‌آید که از این روش (موعظه)، برای تربیت عوام که جنبه اقناعی دارد می‌شود باید بهره برد. (بیضاوی، ۱۴۱۰، ق، ج ۲ ص ۴۳۱؛ آلوسی، بی تا ج ۱۴ ص ۳۷۷؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۷، ج ۴ ص ۳۶۵؛ ملافتح الله کاشانی، ۱۳۸۹، ج ۳ ص ۳۹۲؛ ابن عربی، ۱۴۳۱، ق، ج ۱ ص ۳۷۱؛ اسماعیل حقی، بی تا، ج ۵ ص ۹۷)

از نگاه قرآن کریم، انسان در سراسر عمر خود به موعظه نیازمند است؛ از این رو پیامبران، موعظی را از باب تربیت دینی به مردم می‌آموختند. انبیا در موعظه‌های خود با معرفی خداوند (سوره‌های اعراف، آیات ۸۹ و ۱۰۴؛ انبیاء، آیه ۵۶)، مردم را به پرستش خداوند و ایمان آوردن به او (سوره اعراف، آیات ۵۹-۶۴، ۷۳، ۷۹ و ۸۴-۸۶)، یاری خواستن از او (سوره اعراف، آیه ۱۲۸)، تسلیم شدن در برابر او (سوره بقره، آیه ۱۳۲-۱۳۳)، رعایت تقوای الهی (سوره شعراء، آیات ۱۰۷-۱۱۰، ۱۲۴، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۷۷ و ۱۷۹)، توکل نمودن بر او (سوره‌های هود، آیات ۲۹ و ۸۸؛ مائده، آیه ۲۳ و ابراهیم، آیه ۱۲) و استغفار به درگاه خداوند (سوره‌های یوسف، آیه ۹۲؛ هود، آیه ۹۰ و مریم، آیه ۴۶)، توصیه نموده و در برخی موارد از طریق نامه‌نگاری، به خداپرستی و تسلیم حق شدن سفارش نموده‌اند. (سوره نمل، آیه ۳۱-۳۰)

۱-۲- استفاده از حکمت

به‌کارگیری حکمت، از روش‌های دیگری است که خداوند به پیامبر اسلام (ص) امر کرده تا با بهره‌گیری از این روش به تربیت امت پردازد: *أَدْعُوا إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ...*

(سوره نحل، آیه ۱۲۵). شیخ طوسی حکمت را به شناخت مراتب حسن و قبح و صلاح و فساد افعال تعریف کرده و وجه «حکمت» نامیده شدن آن را این دانسته که چینی معرفتی، به منزله مانع از فساد و عمل ناشایست است و اصل در معنای حکمت، منع است (طوسی، ۱۴۰۹، ق، ج ۶ ص ۴۴۰). زمخشری حکمت را به گفتار محکم، درست و بیان گر حق و زداینده شبهه، تعریف کرده (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۲ ص ۶۴۶). بیضاوی نیز همین تعریف را برگزیده است (بیضاوی، ۱۴۱۰، ق، ج ۲ ص ۴۳۱). علامه طباطبایی در تعریف حکمت گفته است:

«مراد از حکمت، حجتی است که منتج حق است به گونه‌ای که وهن، ابهام و تردید در آن راه نداشته باشد». (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲ ص ۳۷۱)
فخر رازی، حکمت را به حجت یقینی پیراسته از احتمال نقیض، تعریف کرده است.
(فخر رازی، ۱۴۲۰، ق، ج ۲۰ ص ۲۸۷)

با توجه تعریف‌های یادشده می‌توان گفت: حکمت کلامی محکم و خلل‌ناپذیر محسوب می‌شود که مشتمل بر خیر و سعادت انسان است و او را از شقاوت و زیان بازمی‌دارد.

۱-۳- بحث و جدال احسن

جدل، گفت‌وگوی مبتنی بر نزاع و غلبه دوجانبه است و اصل آن از «جدل الحبل»، به معنای پیچیدن محکم ریسمان است، گویی هر یک از دو طرف مجادله کننده، رأی دیگری را درهم می‌پیچید (راغب، ۱۴۱۲، ق، ص ۸۹). در تعریف دیگر آمده که جدل، حجتی است که با استفاده از مسلمات خصم یا مسلمات او و مردم، برای آن‌چه بر آن اصرار ورزیده و نزاع می‌کند، به کار می‌رود، بدون این‌که روشن شدن حقیقت، مقصود باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲ ص ۳۷۱). علامه در ادامه، با تبیین تفاوت جدل با جدال احسن فرموده است:

«جدل در اصطلاح منطقی نیز همین معنا را دارد، اما آن‌چه در آیه شریفه (سوره نحل، آیه ۲۵۱) مطرح شده است، جدال احسن است نه مطلق جدل. بر این اساس، اگر احتجاج جدلی مبتنی بر مسلمات کاذب بوده و بخواهد از این طریق طرف مقابل را به پذیرش حق وادار کند، جدال احسن نخواهد بود؛ زیرا در فرض مزبور در کنار احیای حق، احیای باطل

نیز شده است که مذموم است مگر آن که بخواهد از این طریق، سخن خصم را نقض کند نه این که او را به پذیرش حق خود وادار سازد». (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۷۲)

پیامبران الهی با بهره‌گیری از این روش (جدال احسن)، به تربیت امت می‌پرداختند؛ مانند بحث‌های جدلی حضرت نوح (ع) با کافران (سوره هود، آیه ۲۸)، محاجه انبیایی هم چون: ابراهیم (ع)، شعیب (ع) و نوح (ع) برای معرفی خداوند (سوره‌های بقره، آیه ۲۵۸؛ انعام، آیات ۷۶-۷۸ و ۸۰-۸۲؛ هود، آیات ۳۰، ۸۸ و ۹۲؛ نوح، آیه ۱۱۲-۱۱۵)، محاجه پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره دین حضرت ابراهیم (ع) (سوره بقره، آیه ۱۳۵) و بحث‌های حضرت سلیمان (ع) با فرستادگان ملکه سبا که قصد داشتند او را به مال دنیا بفریبند. (سوره نمل، آیه ۳۶)

۱-۴-انذار و تیشیر

قرآن کریم انبیا را مبشر و منذر نامیده است (سوره‌های بقره، آیه ۲۱۳؛ کهف، آیه ۵۶؛ نازعات، آیه ۴۵ و یس، آیه ۷۰)؛ از این رو، انبیا با وجود ناراحتی از وجود شرک در اعتقادات مردم (سوره اعراف، آیه ۵۰)، با معرفی خود به‌عنوان منذر (سوره‌های نوح، آیات ۲-۴ و هود، آیه ۲۵)، با مردم اتمام حجت نمودند (سوره اعراف، آیه ۹۳) و به مواردی هم چون: پرهیز از گناه (سوره‌های هود، آیات ۵۲ و ۷۸ و شعراء، آیه ۱۶۸)، ترس از خدا (سوره‌های هود، آیه ۷۸؛ شعراء، آیه ۱۰۶؛ حجر، آیه ۶۹ و مؤمنون، آیه ۲۴)، افترا نسبتن به خدا (سوره طه، آیه ۶۱) و مأیوس شدن از درگاه الهی (سوره حجر، آیه ۵۶) هشدار داده و انذار نموده‌اند. مراد از بشارت در آیات، وعده نصرت در دنیا و دست‌یابی به ثواب در آخرت و نعمت‌های بهشتی به افراد مطیع و پذیرنده حق است. (طبری، ۱۴۱۲، ق، ج ۱ ص ۴۰۹)

از سوی دیگر، انبیا با بیان این که خدا همیشه پیروز و پایدار است (سوره یونس، آیه ۸۲)، با امید دادن به اهل تقوا (سوره اعراف، آیه ۱۲۸) و ایمان‌داران (سوره انعام، آیات ۵۴ و ۸۶)، به همراه تشویق آن‌ها به انجام دادن عبادات (سوره مؤمنون، آیه ۲۴)، پیروزی در مقابل دشمنان و ایمنی از عذاب الهی را به آنان بشارت می‌دادند. (سوره انعام، آیه ۶۸)

با توجه به آیه ۲۱۴ سوره شعراء، یکی از مأموریت اولی و اصلی رسول خدا (ص) انذار بوده است. گرچه در این آیه متعلق انذار، نزدیکان و عشیره آن حضرت هستند، مقتضای

خاتمیت رسالت حضرت آن بود که مأمور به انذار همه مردم باشد؛ لذا بسیاری از مفسران، امر به انذار در آیه یادشده را ویژه "عشیره اقریین" ندانسته، بلکه آن را یکی از مصادیق مهم و شروع امر به انذار همه مردم می‌دانند و به اصطلاح، اختصاص در آیه را اختصاص ذکر به شمار می‌آورند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۷۳؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۳۶۱؛ جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۰۱؛ کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص ۴۵۳)

۱-۵- دعا کردن

دعاهایی که انبیا در امور دینی داشته‌اند، با مضامینی چون: تشکر از خداوند برای هدایت مردم (سوره بقره، آیات ۱۲۷-۱۲۹)، شکر نعمت (سوره‌های بقره، آیه ۱۲۶ و نمل، آیات ۱۵ و ۱۹)، دعا برای درخواست مائده از سوی حواریون و اجابت الهی (سوره مائده، آیه ۱۱۲)، دعا برای برطرف شدن مشکلات (سوره انبیاء، آیه ۸۳-۸۴)، کسب ثواب و نیکویی در دنیا و آخرت (سوره اعراف، آیه ۱۵۶) و حتی مواردی که در آن انبیا برای نفرین قومشان دست به دعا برداشتند (سوره‌های مائده، آیه ۲۵ و شعراء، آیه ۱۱۷-۱۱۸)، می‌تواند درس‌های آموزنده‌ای در جهت تربیت دینی مؤمنان در خود داشته باشد.

۱-۶- استفاده از معجزه و امور خارق‌العاده

به تناسب وضعیتی که انبیا در آن قرار می‌گرفتند، از معجزات و امور غیبی در جهت ازدیاد ایمان و اتمام حجت برای مخاطبان استفاده می‌کردند؛ همانند معجزات حضرت عیسی (ع) در شفا دادن افراد مبتلا به بیماری‌هایی چون: کوری و پیسی، زنده کردن مرده، تبدیل گِل به پرنده و خبر دادن از غیب (سوره آل‌عمران، آیه ۴۹)، درآوردن شتر از کوه (سوره‌های هود، آیه ۶۳-۶۴ و شعراء، آیه ۱۰۷-۱۰۸)، معجزات فراوان حضرت موسی (ع) برای فرعون و بنی اسرائیل (سوره‌های اعراف، آیات ۱۰۵ و ۱۰۷-۱۰۸ و شعراء، آیه ۳۰)، به همراه معجزات متعددی که در قرآن کریم به پیامبر اسلام (ع) نسبت داده شده؛ مانند خودقرآن کریم و آیات تحدی (سوره بقره، آیه ۲۳)، عروج به آسمان‌ها (سوره اسراء، آیه ۱) و شق القمر (سوره قمر، آیه ۱). تمام این امور به تعبیر قرآن کریم، نشان‌هایی برای ایمان‌داران خواهد بود (سوره آل‌عمران، آیه ۴۹) که نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت انسان‌ها داشته است.

۷-۱- تشویق

انبیا با تشویق مردم به توبه (سوره بقره، آیه ۵۴)، یاد کردن نعمت‌های خداوند (سوره اعراف، آیه ۷۴)، کمک گرفتن از دیگران در امور دینی (سوره‌های طه، آیات ۲۹-۳۵ و شعراء: ۱۳)، سکوت در مقابل تمسخر غیر مؤمنان (سوره هود، آیه ۳۸-۳۹)، توکل بر خداوند (سوره یونس، آیه ۸۴) و مواردی از این قبیل به دنبال تربیت دینی مردم بودند.

۸-۱- امر و نهی

اوامر و نواهی دینی نیز می‌تواند در تربیت دینی افراد مؤثر باشد؛ برای مثال، امر به ذبح حیوان با مشخصات خاصی برای ایمان آوردن بهتر به خدا و نشان دادن قدرت خدا (سوره بقره، آیات ۶۷-۷۳)، دستور به انجام دادن شریعت (سوره بقره، آیه ۹۳)، نهی از نافرمانی خدا در قضیه گوساله سامری (سوره طه، آیات ۸۶، ۹۰، ۹۲-۹۳ و ۹۵) و نهی از پرستش غیر خدا (سوره‌های مریم، آیه ۴۲ و هود، آیه ۲۶) از این موارد است.

۹-۱- یادآوری نعمت‌ها

یادآوری نعمت‌ها، یکی از روش‌های تربیتی پیامبران الهی بود؛ مانند حضرت موسی (ع) که نعمت‌های خدا به قومش را به آنان یادآوری می‌کرد. (سوره مائده، آیه ۲۰)

۱۰-۱- برخورد محبت‌آمیز

برخورد محبت‌آمیز و نرمش در گفتار، یکی دیگر از روش‌های تربیتی پیامبران است که قرآن به آن اشاره فرموده؛ مانند ملاطفت و مهربانی پیامبر عزیز اسلام (ص) با مردم (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) و برخورد ملاطفت‌آمیز همراه با نرمش در گفتار و به‌کارگیری این روش توسط رسول خدا (ص)، به گواه خداوند متعال از بهترین عوامل جذب مسلمانان بوده است (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)

۱۱-۱- یادآوری مرگ و قیامت

یادآوری قیامت، یکی دیگر از روش‌های تأثیرگذار در تربیت انسان‌هاست که پیامبران الهی از آن در هدایت امت‌ها استفاده می‌کردند. (سوره‌های ابراهیم، آیه ۳۱؛ حج، آیه ۷۲؛ سجده، آیه ۱۱؛ احزاب، آیه ۶۳؛ سباء، آیه ۳۹ و زمر، آیه ۱۳)

۱-۱۲- استفاده از مشترکات

استفاده از مشترکات در تربیت انسان‌ها، از روش‌های تأثیرگذاری است که پیامبران از آن بهره می‌جستند؛ مانند پیامبر اسلام (ص) که در مواجهه با اهل کتاب از این روش استفاده می‌کردند. (سوره‌های آل‌عمران، آیه ۶۴ و عنکبوت، آیه ۴۶)

۱-۱۳- طرح سؤال

طرح کردن سؤال به انگیزه بیدار ساختن فطرت خفته مخاطب توسط پیامبران، یکی از روش‌های مؤثر در تربیت انسان‌ها بوده که در قرآن به آن اشاره کرده است. (سوره‌های هود، آیه ۶۳؛ یوسف، آیه ۳۹؛ ابراهیم، آیه ۱۰ و شعراء، آیات ۷۱-۷۳)

۲. انبیا در عهد عتیق

پیامبران از مهم‌ترین آموزگاران عهد عتیق در آموزش و تربیت امور دینی بوده‌اند. (Sanner, 1978, p.40-41) آن‌ها از طرف خدا انتخاب شدند تا پیام او را به بنی‌اسرائیل منتقل کنند (Matshiga, 2001, p.122). انبیای عهد عتیق، افراد باایمانی بودند که خود را تابع فرمان‌های الهی می‌دانستند (White, 1890, p.126; White, 1915. P. 52; White, 1903, p. 54). چنین ایمانی به ارتباطی شخصی با خدا و ارتباط مستقیم خداوند با آن‌ها می‌انجامید. (نک. پیدایش ۶: ۱۳-۲۱؛ ۱۷: ۱-۲۱؛ ۳۵: ۱؛ ۱۱-۱۵؛ ۴۶: ۲-۴)

عصر حضور انبیا در عهد عتیق را به دو دسته کلی دسته‌بندی می‌کنند. علت این امر نیز این است که در این دوران، به علت نافرمانی‌های قوم بنی‌اسرائیل از اوامر الهی و تعالیم انبیا، برای مدتی فترت ایجاد شد تا مردم به خود آیند و شرایط بازگشت مجدد انبیا فراهم شود؛ از این رو در این بازه زمانی و در دوران فترت انبیا، داورانی از میان مردم برخاستند که به قضاوت و داوری، بعضاً تعالیم دینی در میان مردم می‌پرداختند؛ لذا در این مقاله، تنها به دوره‌های حضور انبیا و روش‌های تربیتی آنان پرداخته می‌شود.

دوره اول: عصر حضور انبیا

حضرت ابراهیم (ع)، اولین شخصیتی است که در میان انبیا مهم تلقی می‌گردد. بر مبنای آن‌چه در پیدایش ۱۸: ۱۹ آمده است:

"من او را برگزیده‌ام تا فرزندان و اهل خانه خود را تعلیم دهد که مرا اطاعت نموده، آن‌چه را که راست و درست است به‌جا آورند. اگر چنین کنند، من نیز آن‌چه را که به او وعده داده‌ام، انجام خواهم داد."

تصور ابراهیم (ع) این بود که او مسئول تعلیم خانواده‌اش است و لذا به آن‌ها فرمان داد تا به عدالت رفتار و حکم کنند. در تعلیم شریعت خدا، به آن‌ها آموخت که خداوند، قاضی و شارع انسان‌هاست؛ از این رو، والدین و فرزندان باید بر اساس قوانین او زندگی کنند. والدین با فرزندان به ستم رفتار نکنند و فرزندان نیز از قوانین تهرمت نکنند. (White, 1923, p. 286)

البته دلیل این نکته - همان‌گونه که در آیه یادشده آمده است - عهدی بود که خدا با ابراهیم (ع) و همه ذریه‌اش بسته بود (پیدایش ۱۷: ۷؛ ۲۲: ۱۶-۱۸)؛ عهدی که مشابه آن قبلاً با نوح منعقد شده بود (پیدایش ۹: ۸-۱۷) و اکنون با ذریه ابراهیم (ع) یعنی اسحاق (ع) و یعقوب (ع) منعقد شد. (نک. پیدایش ۲۶: ۳-۵؛ ۲۸: ۱۳-۱۵؛ خروج ۲: ۲۴)

این عهد ادامه یافت و سپس به موسی (ع) منتقل شد؛ شخصیتی که معلم اصلی بنی اسرائیل قلمداد می‌شود (خروج ۳: ۱۴-۱۵؛ ۴: ۱۵؛ ۲۵: ۲۱). از طریق او بود که خداوند احکام ده‌گانه را بر بنی اسرائیل نازل نمود. موسی با کمک افرادی مانند هارون (خروج ۴: ۱۳-۱۷)، بَصَلْتِیل (خروج ۳۱: ۱-۶) و اهُولِیاب (خروج ۳۵: ۳۴)، موظف شدند تا خدا و شریعتش را به مردم بشناسانند.

دوره دوم؛ ظهور مجدد انبیا

پس از مدتی فترت ایجاد شد و دیگر پیامبری در میان بنی اسرائیل ظهور نکرد تا این که در زمان آخرین داور، یعنی سموئیل، موقعیت برای بازگشت انبیا و تعلیم به قوم فراهم شد. انبیا در این دوره پس از آن که خداوند آن‌ها را به این مسئولیت خطیر منصوب نمود (ارمیا ۱: ۹-۵؛ ۱۷-۱۹؛ اول سموئیل ۳: ۱-۲۱؛ حزقیال ۲: ۱-۸؛ ۳: ۱۷؛ ۳۳: ۷)، با اعتقاد و اعتماد به خداوند (دوم پادشاهان ۲: ۹-۱۵؛ اشعیا ۹: ۱۵؛ دانیال ۶: ۱-۲۲)، به دریافت و ابلاغ پیام خدا برای قوم و تربیت آن‌ها پرداختند (اول سموئیل ۹: ۱۵-۱۷، ۲۷؛ دوم پادشاهان ۲۰: ۱؛ ارمیا ۲۳: ۲۸). آن‌ها اشخاص برجسته‌ای همانند سموئیل، ایلیا، الیشع، اشعیا، ارمیا، دانیال و هم‌چنین انبیایی که کم‌تر شناخته‌شده هستند مانند جاد، شمعی و یدوتون بودند. به‌علاوه زنان نبیه‌ای

چون حلدۀ همسر اشعیا (دوم پادشاهان ۲۲: ۱۴؛ دوم تواریخ ایام ۳۴: ۲۲؛ اشعیا ۸: ۳) و افرادی همانند عزرا ی کاتب و عاموس را نیز می‌توان در این زمره قرار داد. (عزرا ۷: ۱۱؛ عاموس ۷: ۱۴-۱۵)

سموئیل نبی با تدوین برنامه‌هایی، به آموزش بنی‌اسرائیل (اول سموئیل ۷: ۱۶-۱۷؛ ۱۹: ۲۰) و مبارزه با فساد ی پرداخت که بر مبنای شرک شکل گرفته بود (White, م ۱۸۹۰، p.593). متعاقباً انبیای بعدی مانند الیشع و ایلیا در اریحا، بیت ایل و جلیل، برنامه‌های او را دنبال کردند. (دوم پادشاهان ۲: ۳-۵؛ ۴: ۳۸)

۲-۱- استفاده از ابزار تمثیل

انبیای عهد عتیق با استفاده از مثال‌های بصری متنوع (نک. ارمیا ۱۳: ۱-۱۱؛ ۱۸: ۱-۱۰؛ ۱۹: ۱۳-۱۱؛ ۲۷: ۲؛ ۳۷: ۱۵-۲۳؛ ۴۳: ۸-۱۳؛ ۱۲: ۳-۸؛ ۲۴: ۱-۱۴؛ زکریا ۶: ۹-۱۵)، می‌کوشیدند تا امور دینی را به مردم بیاموزند؛ برای مثال، اشعیا نبی در توصیف سختی‌ها و یاری خداوند از تعبیری مانند نان ضیق و آب مصیبت استفاده می‌کند:

"و هر چند خداوند شما را نان ضیق و آب مصیبت بدهد، اما معلمات بار دیگر مخفی نخواهند شد؛ بلکه چشمانت معلمان تو را خواهد دید." (اشعیا ۳۰: ۲۰)

همان‌گونه که در اشعیا ۵۰: ۴ آمده است:

"خداوند یهوه زبان تلامیذ را به من داده است تا بدانم که چگونه خستگان را به کلام تقویت دهم. هر بامداد بیدار می‌کند. گوش مرا بیدار می‌کند تا مثل تلامیذ بشنوم."

خداوند چگونگی تکلم نمودن با مردم را در قالب تمثیل زبان تلامیذ به اشعیا آموخته است. مردم نیز با شنیدن کلام انبیا، توانایی تشخیص انبیای حقیقی از انبیای دروغین را به دست آوردند. از این رو می‌توان تمثیل را به‌مثابه ابزاری برای یافتن حقیقت قلمداد نمود:

"آن پیامبری که خواب دیده است، خواب را بیان کند و آن که کلام مرا دارد، کلام مرا به راستی بیان نماید. خداوند می‌گوید گاه را با گندم چه کار است؟" (ارمیا ۲۳: ۲۸)

۲-۲- تشویق و تنبیه

تشویق و دلگرم نمودن مردم، یکی از مواردی بود که انبیا در زمان‌های مختلف برای انتقال پیام‌های دینی استفاده می‌کردند.

۲-۲-۱- تشویق به استفاده از همه توان

خداوند انبیا را تشویق نموده است تا از همه توان خود برای تربیت دینی مردم استفاده کنند:

"و روح خداوند بر تو مستولی شده، با ایشان نبوت خواهی نمود و به مرد دیگر مبدل خواهی شد؛ و هنگامی که این علامات به تو رونماید، هر چه دستت یابد بکن زیرا خدا با توست." (اول سموئیل ۱۰: ۶-۷)

آن‌ها موظفند تا مردم را بشارت دهند که اگر به خدا ایمان داشته باشند، خداوند به آنان روح تازه بخشیده، قلب‌هایشان را برای پذیرش دین خدا نرم خواهد نمود. (نک. حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷)

۲-۲-۲- تشویق به کمک گرفتن از دیگران

در صورتی که انبیا به تنهایی توانایی انجام دادن رسالت خود را نداشته باشند، خداوند، آنان را به کمک گرفتن از دیگران تشویق و ترغیب می‌کند:

"گفت: «استدعا دارم ای خداوند که بفرستی به دست هر که می‌فرستی». آن گاه خشم خداوند بر موسی مشتعل شد و گفت: «آیا برادرت هارون لاوی را نمی‌دانم که او فصیح الکلام است؟» و اینک او نیز به استقبال تو بیرون می‌آید و چون تو را بیند، در دل خود شاد خواهد گردید؛ و بدو سخن خواهی گفت و کلام را به زبان وی القا خواهی کرد و من با زبان تو و با زبان او خواهم بود و آنچه باید بکنید شما را خواهم آموخت؛ و او برای تو به قوم سخن خواهد گفت و او مر تو را به جای زبان خواهد بود و تو او را به جای خدا خواهی بود." (خروج ۴: ۱۳-۱۶)

از این رو می‌توان برای تربیت دینی جامعه از دیگران نیز کمک گرفت.

۲-۲-۳- تشویق به برگزاری جلسات عبادی جمعی

همان‌گونه که در نحما ۸: ۱-۸ آمده است، برگزاری مراسم عبادی به صورت دسته‌جمعی و همچنین قرائت دسته‌جمعی کتاب مقدس می‌تواند مشوق خوبی در جهت آموزش و فهم امور دینی و عبادی باشد و مردم را بر مشارکت حداکثری در امور مذهبی ترغیب کند.

۲-۲-۴- تشویق به استفاده از عنصر شادی و موسیقی

استفاده از موسیقی، رقص و شادی، یکی از حربه‌هایی است که انبیای عهد عتیق - اعم از نبیه و نبی - برای تربیت دینی مردم از آن بهره می‌بردند (نک. خروج ۱۵: ۲۰-۲۱). تشویق به استفاده از آلات موسیقی در برنامه‌های دینی، شاهی برای این ماجراست: "طبق دستوری که خداوند توسط جاد و ناتان نبی به داوود پادشاه داده بود، حزقیا لایوان نوازنده را با سنج‌ها، بریط‌ها و عودها در خانه خداوند گماشت. لایوان با آلات موسیقی، داوود پادشاه و کاهنان با شیورها آماده ایستادند." (دوم تواریخ ۲۹: ۲۵-۲۶) از این رو برخی از انبیا، از آلات موسیقی به‌عنوان ابزاری برای هدایت مردم بهره می‌بردند (نک. اول سموئیل ۱۰: ۵). برخی دیگر نیز مردم را به عبادت خدا همراه با شادی تشویق می‌کردند. (دوم تواریخ ۲۹: ۳۰)

۲-۳- استفاده از روش تنبیه و سرزنش

تنبیه با روش‌های متعدد، یکی از روش‌های انبیا برای تربیت دینی مردم بود؛ برای مثال، پس از آن‌که شائول از اوامر الهی سرپیچی نمود، سموئیل نبی پیش‌گویی کرد که خداوند او را به خاطر این عمل احمقانه، تنبیه نموده، از پادشاهی اسرائیل برکنار خواهد کرد و او حاکمیتش را از دست خواهد داد (نک. اول سموئیل ۱۳: ۱۱-۱۴؛ ۱۵: ۱۶-۳۱). بنی اسرائیل نیز که از اوامر الهی سرپیچی نمودند و هدایت‌های انبیا را پذیرا نشدند، در نهایت همان‌طور که خداوند وعده داده بود، با جلای وطن تنبیه شدند:

"تا آن‌که خداوند اسرائیل را موافق آن‌چه به‌واسطه جمیع بندگان خود، انبیا گفته بود، از حضور خود دور انداخت. پس اسرائیل از زمین خود تا امروز، به آشور جلای وطن شدند." (دوم پادشاهان ۱۷: ۲۳)

۲-۴- بیان سرگذشت پیشینیان

انبیا هم چون آموزگاری، هدایت‌های خدا در گذشته را برای مردم مرور می‌کردند و نتایج انتخاب‌های پیشینیان را برای بنی اسرائیل تحلیل می‌نمودند (نک. اول سموئیل ۱۲: ۶-۲۵). آنان وقایع گذشته را به‌عنوان درس‌هایی برای نسل‌های آینده بازگو می‌کردند. (اول تواریخ ۲۹: ۹؛ ۲۹: ۱۲؛ ۱۵: ۱۳؛ ۲۲: ۲۶؛ ۲۲: ۳۵؛ ۱۵)

۲-۵- استفاده از معجزات و امور خارق‌العاده

استفاده از معجزات، یکی دیگر از روش‌های انبیا برای تربیت دینی مردم بود؛ برای مثال، خداوند خطاب به حضرت موسی (ع) بیان می‌کند:

«و این عصا را به دست خود بگیر که با آن آیات را ظاهر سازی!» (خروج ۴: ۱۷)

دلیل این نکته نیز روشن است؛ زیرا معجزات می‌تواند به‌عنوان ابزاری قوی در جهت ایجاد و حتی ازدیاد ایمان عمل کند (White, 1959, p.174). خبر دادن از غیب توسط دانیال نبی به‌عنوان امری خارق‌العاده، سبب شد تا پادشاه به مقام والای خدای دانیال در میان همه خدایان دیگر اعتراف کند. (دانیال ۲: ۲۸-۴۹). از این رو، معجزات و امور خارق‌العاده نیز می‌تواند در تربیت دینی مؤثر باشد.

۲-۶- سفرهای تبلیغی

استفاده از سفرهای تبلیغی نیز می‌تواند به‌عنوان شگردهای تربیت دینی به کار رود؛ برای مثال، انبیا چون: بنحایل، عوبدیا، زکریا، نثنیل و میکایا، به شهرهای مختلف یهودیه سفر کردند تا به تبلیغ و آموزش کلام الهی بپردازند:

"و در سال سوم از سلطنت خود، سروران خویش را یعنی بنحایل و عوبدیا و زکریا و نثنیل و میکایا را فرستاد تا در شهرهای یهودا تعلیم دهند و با ایشان بعضی از لاویان یعنی شمعیا و نتنیا و زبدیا و عسائیل و شمیراموت و یهوناتان و ادنیا و طوییا و توب ادنیا را که لاویان بودند، فرستاد و با ایشان آلیشَمَع و یهورام کهنه را. پس ایشان در یهودا تعلیم دادند و سفر تورات خداوند را با خود داشتند و در همه شهرهای یهودا گردش کرده، قوم را تعلیم می‌دادند." (دوم تواریخ ۱۷: ۷-۹)

۲-۷- توصیه و تذکر

انبیای الهی در قالب توصیه‌هایی، از مردم می‌خواستند تا با توجه به اوامر الهی و انجام دادن امور شرعی، علاوه بر دریافت برکات مادی و معنوی (ملاکی ۳: ۱۰)، در نهایت عاقبت به‌خیری نصیبشان گردد (ارمیا ۲۹: ۱۱). هم‌چنین به مردم توصیه می‌کردند تا از مسیر خدا فاصله نگیرند. ممکن است طی طریق در این مسیر با سختی‌هایی همراه باشد (اشعیا ۵۳:

۱۲-۱)، اما با خدا بودن، نشانه توجه خدا به آن‌ها و رحمت و رأفت خداوند است. (اشعیا ۳۰: ۲۲-۱۸)

۲-۸- هشدار و تهدید

استفاده از ابزار هشدار و تهدید، از دیگر روش‌های انبیا در تربیت دینی جامعه است. آنان با بیان این که خداوند شاهد و ناظر اعمال خوب و بد انسان‌هاست (ارمیا ۲۹: ۲۳) و با توجه دادن آن‌ها به ناچیزی و ناتوانی انسان در برابر قدرت خداوند (ارمیا ۱۰: ۲۳)، هشدار می‌دهند که ترک خداوند و بی‌توجهی به توصیه‌های انبیا، علاوه بر آن که موجب تسلط ظالمان بر مؤمنان خواهد شد (دوم تواریخ ۱۲: ۶؛ ۱۶: ۷-۹؛ ۲۵: ۱۵-۱۶؛ دوم پادشاهان ۱۷: ۲۳)، لعن الهی (ملاکی ۲: ۲) و عذابی سخت (ملاکی ۴: ۱-۳؛ خروج ۴: ۸-۹) را در پی خواهد داشت.

۲-۹- خطابه و موعظه

انبیای عهد عتیق در خطابه‌ها و موعظه‌های صادقانه خود (اول سموئیل ۱۲: ۲۳)، به معرفی خداوند و صفات او (اشعیا ۴۰: ۶-۳۱)، دعوت به پرستش خداوند (داوران ۵: ۷-۱۰؛ ۵: ۳۱؛ دوم تواریخ ۲۰: ۲۰؛ ارمیا ۲۹: ۱۳؛ خروج ۴: ۲۹-۳۱)، آموزش الهیات و تعلیم شریعت (اشعیا ۵۸: ۱۳-۱۴)، دعوت مردم برای بازگشت به سوی خدا (اول سموئیل ۷: ۳-۶؛ حجی ۱: ۱۴-۱۲) و تشویق مردم برای کمک به دستگاه الهی (دوم تواریخ ۱۵: ۸) می‌پرداختند. انبیای در قرآن با بهره‌برداری از سیزده روش، به تربیت انسان‌ها پرداختند؛ اما در عهد عتیق، از نه روش برای تربیت بشر استفاده نمودند که در چهار روش (موعظه، انذار و تبشیر، معجزه، تشویق) مشترک بودند و در سه روش متفاوت. روش انبیا در قرآن، چهار روش بیش‌تر بوده که با این وضعیت، روش‌های اشاره‌شده در قرآن جامع‌تر از عهد عتیق است. علاوه بر این، استفاده از ابزار موسیقی در عهد عتیق آمده که این روش در قرآن ذکر نشده است.

نتیجه

از بررسی آراء مفسران فریقین درباره متولیان تربیت دینی در قرآن و کاوش در متن عهد عتیق، این نتیجه به دست می‌آید که در روش تربیتی خداوند و پیامبران در دو متن مقدس (قرآن و عهدین)، ادبیات یکسانی داشته و در بعضی از روش‌ها هر دو متن شبیه یک دیگر است؛ ولی روش‌های موجود در قرآن جامع‌ترند و متولیان در قرآن کریم، بشخصه ویژگی ممتازی دارند که در عهد عتیق وجود ندارد. الگوهای قرآنی اسوه حسنه هستند (سوره‌های احزاب، آیه ۲۱ و ممتحنه، آیات ۴ و ۶)؛ اما در عهد عتیق این گونه نیست. انبیا در عهد عتیق مرتکب گناهان کبیره می‌شوند (برای مثال نک. پیدایش ۱۹: ۱-۱۸) و شایسته نیست کسی که خود از گناه کبیره دوری نمی‌کند، متکفل امور دینی دیگران گردد.

به‌علاوه قصص قرآن کریم، گرچه از لحاظ محتوایی تفاوت چندانی با قصص عهد عتیق ندارد، از لحاظ ماهوی با آن‌ها تفاوت دارد؛ زیرا هدف قرآن کریم از نقل این داستان‌ها، صرفاً قصه‌گویی و یا نشان دادن ضمنی سرگذشت قوم بنی‌اسرائیل به‌عنوان قوم برگزیده خداوند نیست، بلکه به خاطر بیان امر مهمی به این داستان‌ها به‌عنوان شاهد و گواه تاریخی، استناد شده است. امکان دارد داستانی در چند سوره مختلف آمده باشد، ولی در هر جا، برای بیان نکته‌ای مهم و عمدتاً متمایز آمده است؛ از این رو قصص قرآنی، اهدافی چون: عبرت‌آموزی، هدایت‌گری، اندیشه‌سازی، بیان اصول دین و بیان سنن الهی را تعقیب می‌کنند (اشرفی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸). علاوه بر این، به‌استثنای سوره یوسف، در هیچ‌جا قرآن به جزئیات وقایع و داستان‌های تاریخی اشاره نشده است، برخلاف داستان‌های عهد عتیق که وارد جزئیات زندگی افراد می‌شود؛ در حالی که این‌گونه پرده‌داری و رعایت نکردن حریم میان مرد و زن در قرآن وجود ندارد.

نکته مهم دیگر این است که با توجه به آراء مفسران فریقین، در قرآن کریم توجه به قیامت، مسأله بهشت و جهنم، عذاب و ثواب بسیار پررنگ است؛ در حالی که در عهد عتیق یا اصلاً مشاهده نمی‌شود و یا اگر اشاراتی به آن باشد، به‌صورت سطحی و گذراست (آریانپور، ۱۳۵۲، ص ۴). در نتیجه باید بیان نمود که علی‌رغم اشتراکات موجود میان قرآن کریم و عهد عتیق، در قرآن کریم متولیان تربیت دینی اسوه حسنه هستند، به‌علاوه مباحثی مانند توجه به قیامت در آن پررنگ‌تر است.

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس.

- آلوسی، سید محمد (بی تا)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن والسبع المثانی*، بیروت: دارالفکر.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳ ق)، *عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث اللدینیّه*، محقق: مجتبی عراقی، قم: مؤسسه سیدالشهدا.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ ق)، *التحریر والتنویر*، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، *روض الجنات و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اشرفی، عباس (۱۳۵۸ ش)، *مقایسه قصص در قرآن و عهدین*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- آریانپور کاشانی، عباس (۱۳۵۲ ش)، *نفوذ عقاید آریایی در دین یهود و مسیحیت*، تهران: مدرسه عالی ترجمه.
- بیضاوی، ناصرالدین (۱۴۱۰ ق)، *انوار التنزیل (تفسیر بیضاوی)*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ ق)، *تفسیر التستری*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسین (۱۳۷۷ ش)، *جلاء الازهار و جلاء الاحزان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حقی بُرسوی، اسماعیل (بی تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دارالفکر.
- راغب اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۲ ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت - دمشق: دارالقلم، دارالشامیه.
- رستمی‌زاده، رضا (۱۳۸۲ ش)، «الگوهای تربیتی در قرآن»، *فصلنامه معرفت*، ش ۶۹، ص ۱۲-۱۵.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، *الکشاف*، بیروت: دارالکتب العربی.
- شورتوتی، سعید (۱۴۱۶ ق)، *اقرب الموارد فی فصحه العربیه و الشواهد*، تهران: منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریه، دارالاسوه الطباعه و النشر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ ش)، *تفسیر المیزان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم: مکتب الاعلم الاسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۴۰ ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: نشر احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: انتشارات صدر.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۸۹ ش)، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، قم: نوید اسلام.
- کیومرثی، غلامعلی (۱۳۸۶ ش)، مبانی و اصول تربیت دینی و تفاوت آن با تعلیمات دینی، تهران: مدرسه.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶ ش)، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، ۱۴ ج، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹ ش)، *راه و راهنما شناسی*، قم: شفق.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ ش)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدرا.
- میرزایی، نجفعلی (۱۳۸۸ ش)، *فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی-فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- Amoah, Asare Emmanuel (2012). Theological Reflection of Christian Education on Some Selected Mission Churches in Akyem Abuakwa, Bachelor of Divinity (Doctoral dissertation).
- Kent, Charles Foster (1911). *The Great Teachers of Judaism and Christianity*. Eaton & Mains.
- Matshiga, Dumile Johannes (2001). Christian Education in the Baptist Convention of South Africa with special reference to churches in the Transvaal: A practical theological investigation (Doctoral dissertation, University of Pretoria).
- Sanner, A. Elwood, and Albert Foster Harper (1978). *Exploring Christian Education*. Beacon Hill Press.
- White, E. (1903). *Education*. Mountain View, CA: Pacific Press Publishing Association.
- White, E. (1905). *The Ministry of Healing*. Mountain View, CA: Pacific Press Publishing Association.
- White, E. (1890). *Patriarchs and Prophets*. Washington, DC: Review and Herald Publishing Association.
- White, E. (1915). *Gospel Workers*. Washington, DC: Review and Herald Publishing Association.
- White, E. (1923). *Fundamentals of Christian Education*. Nashville, TN: Southern Publishing Association.
- White, E. (1958). *Selected Messages*, vol. 2. Washington, DC: Review and Herald Publishing Association.

Bibliography

The Holy Qur'an;

The Holy Bible;

- Abul-Futūḥ Rāzī, Ḥusayn b. 'Alī (1986), *Rawḏ ul-Jinān wa Rūḥ-ul-Janān fī Tafṣīr-il-Qur'ān*, edited by Muḥammad-Ja'far Yāḥaqqī & Muḥammad-Mahdī Nāsiḥ. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Raḏawī.
- Ālūsī, Maḥmūd b. 'Abdullāh (n.d.), *Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafṣīr al-Qur'ān al-'Aẓīm*, edited by 'Alī 'Abdul-Bārī 'Aḏīyya, Beirut: Dār al-Fikr.
- Amoah, Asare Emmanuel (2012), Theological Reflection of Christian Education on Some Selected Mission Churches in Akyem Abuakwa, Bachelor of Divinity (Doctoral dissertation).
- Ārīānpūr-Kāshānī, 'Abbās (1973), *Nufūz-i Aqā'id-i Ārīā'ī dar Dīn-i Yahūd wa Masīḥīyyat*, Tehran: Madrasa-yi 'Ālī-i Tarjuma.
- Ashrafī, 'Abbās (2006), *Muqāyisa-yi Qiṣaṣ dar Qur'ān va 'Aḥdayn*, Tehran: Amīr Kabīr and Shirkat-i Chāp va Nashr-i Baynalmilal.
- Bayḏāwī, 'Abdullāh b. 'Umar (1997), *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta'wīl*, edited by Muḥammad 'Abdul-Raḥmān al-Mar'ashlī, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Fakhr-al-Dīn Rāzī, Muḥammad b. 'Umar (1999), *Tafṣīr Mafāṭīḥ al-Ghayb*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.

- Fayḍ-Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍā (1994), *Al-Asfā fī Tafṣīr al-Qurʾān*, Tehran: Ṣadr.
- Ḥaqqī-Burusavī, Ismāʿīl (n.d.), *Tafṣīr Rūḥ al-Bayān*, Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Abī Jumhūr, Muḥammad b. Zayn al-Dīn (1983), *ʿAwālī al-Laʾālī al-ʿAzīzīyya fī al-Aḥādīth al-Dīnīyya*, edited by Muḥtabā ʿIrāqī, Qum: Muʿassasa Sayyid al-Shuhadā.
- Ibn ʿAshūr, Muḥammad b. Ṭāhir (n.d.), *al-Tahrīr wa al-Tanwīr*, Beirut: Muʿassasa al-Tārīkh al-ʿArabī.
- Jurjānī, Ḥusayn b. Ḥasan (1999), *Jaʿ al-Adhhān wa Jilāʿ al-Aḥzān*, Tehran: Dānīshgāh-i Tīhrān.
- Kāshānī, Faṭḥullāh b. Shukrullāh (1999), *Minhaj al-Ṣādiqīn fī Ilzām al-Mukhālīfīn*, Qum: Navīd-i Islām.
- Kayūmarthī, Ghulām-ʿAlī (2007), *Mabānī va Uṣūl-i Tarbiyat-i Dīnī va Tafāwut-i Ān bā Taʿlīmāt-i Dīnī*, Tehran: Madrasa.
- Kent, Charles Foster (1911), *The Great Teachers of Judaism and Christianity*, Eaton & Mains.
- Matshiga, Dumile Johannes (2001), *Christian Education in the Baptist Convention of South Africa with special reference to churches in the Transvaal; A practical theological investigation* (Doctoral dissertation, University of Pretoria).
- Mīrzāʿī, Najaf-ʿAlī (2008), *Farhang-i Iṣṭilāḥāt-i Muʿāṣir-i ʿArabī-Fārsī*, Tehran: Farhang-i Muʿāṣir.
- Miṣbāḥ-Yazdī, Muḥammad-Taḳī (2000), *Rāh va Rāhnāmāshīnāsī*, Qum: Shafaq.
- Muḥammadī-Rayshahrī, Muḥammad (2007), *Mīzān-al-Ḥikma*, translated by Ḥamīd-Riḍā Shaykhī, Qum: Dār al-Ḥadīth.
- Muṭahharī, Murtaḍā (1994), *Taʿlīm va Tarbiyat dar Islām*, Tehran and Qum: Ṣadrā.
- Rāghīb Iṣfāhānī, Ḥusayn b. Muḥammad (1995), *al-Mufradūt fī Gharīb Alfāz al-Qurʾān*, edited by Ṣafwān Dāwūdī, Beirut and Damascus: Dār al-Qalam and al-Dār al-Shāmīyya.
- Rustamīzādī, Riḍā (2003), “Ulgū-hā-yi Tarbiyatī dar Qurʾān” in: *Maʿrifat*, no. 69, pp. 12-15.
- Sanner, A. Elwood and Albert Foster Harper (1978), *Exploring Christian Education*, Beacon Hill Press.
- Shartūtī, Saʿīd (1995), *Aqrab al-Mawārid fī Fuṣṣa al-ʿArabīyya wa al-Shawāhi*, tehran: Dār al-Uswa.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr (1991), *Jāmiʿ al-Bayān ʿan Taʿwīl Āy al-Qurʾān*, Beirut: Dār al-Maʿrifa.
- Ṭabāṭabāʿī, Muḥammad-Ḥusayn (1970), *al-Mīzān fī Tafṣīr al-Qurʾān*, Beirut: Aʿlamī.
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan (1994), *Majmaʿ al-Bayān fī Tafṣīr al-Qurʾān*, edited by Sayyid Faḍlullāh Ṭabāṭabāʿī Yazdī and Sayyid Hāshim Rasūlī-Maḥallātī, Tehran: Nāṣir Khusruw.
- Tustarī, Sahl b. Abdullāh (2002), *Tafṣīr Tustarī*, edited by Muḥammad Bāsil ʿUyūn Sūd, Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmīyya and Manshūrāt Muḥammad ʿAlī Bayḍūn.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. ʿAlī (1970), *al-Tibyān fī Tafṣīr al-Qurʾān*, Qum, Daftar-i Tabliḡhāt-i Islāmī.
- White, E. (1903), *Education*, Mountain View: Pacific Press Publishing Association.

- White, E. (1923), *Fundamentals of Christian Education*, Nashville: Southern Publishing Association.
- White, E. (1915), *Gospel Workers*, Washington D.C.: Review and Herald Publishing Association.
- White, E. (1905), *The Ministry of Healing*, Mountain View: Pacific Press Publishing Association.
- White, E. (1890), *Patriarchs and Prophets*, Washington D.C.: Review and Herald Publishing Association.
- White, E. (1958), *Selected Messages (vol. 2)*, Washington D.C.: Review and Herald Publishing Association.
- Zamakhsharī, Maḥmūd (1987), *al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq al-Ta'wīl wa Ghawāmiḍ al-Tanzīl*, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.